

دوتا ۳۰۵	در میان گذاشتن / ۵۷
	یک شاگرد آنچه را که از مزامیر آموخته است ، در میان می‌گذارد - بخش ۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه که در باره در میان گذاشتن برکات رازگهان است ، خواهید آموخت که چگونه شاگرد عیسی مسیح بشوید. موضوع امروز ما ، این است: "یک شاگرد آنچه را که از مزامیر - بخش ۱ آموخته است، در میان می‌گذارد."

(S) در میان گذاشتن برکات از فصل‌های انتخاب‌شده از مزامیر

در طول هفته گذشته ، مزامیر ۱ و ۲ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از این مزامیر در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

در میان گذاشتن برکات از مزامور ۱

(T) میخواهم مطالبی را از مزامور ۱ در میان بگذارم. "مقدمه‌ای بر مزامیر ، و مزاموری درباره تنها دو طریق ممکن زندگی". نویسنده این اشعار تنها دو طریق ممکن زندگی را که مردم دنیا می‌توانند انتخاب کنند در مقابل هم قرار می‌دهد؛ یعنی طریق درستکارانه با طریق بدکارانه. باور تزلزل‌ناپذیر او این است که اوضاع بر وفق مراد درستکاران خواهد بود ، اما برای بدکاران بد خواهد شد.

اول . "طریق درستکاران" . آیه ۱ در مورد آن اعمالی که شخص درستکار "انجام نمی‌دهد" صحبت می‌کند: او با بدکاران مشورت نمی‌کند و راه گناهکاران را در پیش نمی‌گیرد و با کسانی که خدا را مسخره می‌کنند همنشین نمی‌شود. او رفتار خود را بر اساس نگرش و سخنان بدکاران شکل نمی‌دهد. بلکه خود را از انسانهایی که تأثیری بد بر دیگران بر جای می‌گذارند ، دوری می‌جوید. آیه ۲ در مورد آن اعمالی که شخص درستکار "انجام می‌دهد" صحبت می‌کند. او تمام شخصیت خود را وقف شناخت هر چه بهتر خدا می‌سازد. او روزها و حتی شبهای خود را در تفکر بر دستورات خدا ، یعنی تمام بخشهایی از عهدعتیق که تا آن زمان وجود داشت ، سپری می‌کند. من به‌هنگام "تعمق کردن" ، در واقع چهار کار انجام می‌دهم:

یک . با توجه و دقت تمام ، بر معنی هر واژه و عبارت "فکر می‌کنم" و سعی می‌کنم مقصود خدا را در کتاب مقدس درک کنم.

دو . "دعا می‌کنم" و از خدا درخواست می‌کنم تا علاوه بر آشکار ساختن مقصود خود ، به من نشان دهد که می‌خواهد چگونه این حقیقت کتاب مقدس را در زندگی شخصی خود بکار ببرم.

سه . حقیقت کتاب مقدس را با زندگی خصوصی خود "مرتبط می‌سازم" و چندین گام مشخص برای بکار بستن آن حقیقت به زندگی شخصی خود در نظر می‌گیرم.

چهار . مهمترین اندیشه‌ها را در دفتر یادداشتی "می‌نویسم" تا آنچه را که خدا به من فرموده است بخاطر بسپارم.

آیه ۳ نتایج زندگی شخص درستکار را توصیف می‌کند. نویسنده این اشعار به تجربه دریافته است که شخص درستکار همانند درختی نشانده بر نه‌های آب است ، که میوه خود را در فصل خود می‌دهد و برگهایش پژمرده نمی‌شوند. او می‌داند درختی که در کنار رودخانه یا بستر آب یا واحه‌ای در بیابان قرار دارد ، درخت سالمی است. این درخت ریشه‌های خود را بطور عمیق در خاک می‌فرستد ، یعنی در جایی که همواره آب باشد. این درخت در هر فصل به میوه می‌نشیند و برگهایش نشان می‌دهند که درخت بسیار سالمی است. انسان درستکار همچون این درخت است. از آنجایی که او ریشه‌های زندگی خود را بطور عمیق بسوی خدای کتاب مقدس و کلامی که در کتاب مقدس مکتوب است ، می‌فرستد ، زندگی او بر زمین بطور یقین پرقوت ، پرثمر و سالم خواهد بود. و در هر کاری توفیق خواهد یافت.

دوم. "طریق انسان بدکار" . این انسانهای بدکار هر چند متعلق به قوم اسرائیل هستند ، اما خدای زنده کتاب مقدس را مد نظر قرار نمی‌دهند. آنها رأی و خواسته خود را بعنوان تنها معیار تعیین‌کننده زندگی خویش پیشه می‌کنند. بدکاران الزاماً انسانهایی نیستند که دست به اعمال شرارت‌آمیز می‌زنند. ممکن است زندگی ای داشته باشند که نمونه باشد ، اما با وجود این از هدف خدا در زندگی خویش محروم بمانند. بدکاران انسانهای درستکار را مسخره می‌کنند ، زیرا درستکاران خدای زنده را مد نظر قرار می‌دهند. نویسنده مزامور شیوه زندگی انسان بدکار را توصیف نمی‌کند ، بلکه تنها به ذکر سرنوشت شوم او در داوری نهایی اشاره می‌کند. آیه ۴ علاوه بر توصیف زندگی بی‌فایده او بر زمین ، بطور خاص به سرنوشت انسانهای بدکار در روز داوری نهایی می‌پردازد. انسان بدکار مانند گاهی است که در زمان حصاد در برابر باد پراکنده می‌شود. آیه ۵ می‌فرماید که انسان بدکار قادر نخواهد بود در روز داوری نهایی ، در برابر مسند داوری خدا بایستد. در حال حاضر هنوز تعداد گاهها در میان دانه‌ها بسیار زیاد است. انسانهای درستکار عالم همچنان باید متحمل حضور انسانهای بدکار در میان خود باشند. اما در روز داوری نهایی ، بدکاران از درستکاران جدا خواهند شد و آنگاه قوم خدا تنها متشکل از اجتماع انسانهای درستکار خواهد بود.

این تصویری است از آسمان و زمین جدید. آیه ۶ تضاد میان درستکاران و بدکاران را بطور خلاصه ذکر می‌کند. با اینکه درستکاران همچنان در میان انسانهای بدکار زندگی می‌کنند ، اما خداوند با توجه توأم با محبت از آنان مراقبت بعمل می‌آورد ، و این در حالی است که طریق انسانهای بدکار آنها را بسوی نابودی نهایی خود می‌شتاباند.

(S) میخوام مطالبی از مزمو ۲ در میان بگذارم. "مزمو ۱ نبوتی درباره آن پادشاهی که در آسمان و بر زمین است". احتمال بسیار زیادی وجود دارد که نویسنده مزمو ۱، نقطه آغاز نگارش خود را از نبوتهایی که در دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۶ و اول تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۴ نوشته شده‌اند، اخذ کرده باشد تا به ملت‌های جهان آن آینده‌ای را که خدای کتاب مقدس معین کرده است، آشکار سازد. در آنجا سموئیل نبی خطاب به داود پادشاه فرمود: "وقتی تو بمیری و به اجدادت ملحق شوی، من یکی از پسرانت را وارث تاج و تخت تو می‌سازم و حکومت او را تثبیت می‌کنم. او همان کسی است که خانه‌ای برای من خواهد ساخت و من سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم کرد. من پدر او و او پسر من خواهد بود، اما اگر مرتکب گناه شود، او را سخت مجازات خواهم کرد. ولی محبت من از او دور نخواهد شد، انطور که از شائول دور شد و باعث گردید سلطنت او به تو منتقل شود. بدان که خاندان تو تا به ابد باقی خواهد ماند و در حضور من سلطنت خواهد کرد". نویسنده مزمو ۱ در ابتدا از نقطه نظر پادشاه زمینی و سپس آسمانی، به ذکر و اقصیتی یکسان می‌پردازد.

اول. "آیات ۱-۳ به توصیف صحنه روی زمین می‌پردازند". همه چیز بر زمین دچار اغتشاش است. تصویر اینچنین است که اقوام همجوار سرزمین اسرائیل، زیر سلطه اسرائیل در آمده‌اند و احساس می‌کنند زمان طولانی زیر یوغ خدای اسرائیل و پادشاه اسرائیل قرار داشته‌اند و اینک می‌خواهند با توسل به جنگ بر ضد قوم خدا، این یوغ را بشکنند. پیام این تصویر خطاب به تمام اقوام روی زمین و پادشاهان ایشان می‌باشد. همه ملت‌های روی زمین و پادشاهان ایشان که بر ضد خدای زنده کتاب مقدس و پادشاه مسح شده او، یعنی عیسی مسیح طغیان می‌کنند، باید بدانند برآستی بر ضد چه کسی مخالفت می‌ورزند.

دوم. "آیات ۴-۶ به توصیف صحنه در آسمان می‌پردازند". در حالیکه بر زمین همه چیز دچار اغتشاش شده است، در آسمان همه چیز آرام است. خدای قادر مطلق بر تخت تمامی عالم نشسته است و در آسمان خبری از هول و هراس نیست. وقایع و اتفاقات روی زمین همواره تحت تسلط خدا قرار دارند. او ناظر بر اعمال پادشاهان قوماست و اینکه چگونه بر ضد قوم خدا توطئه می‌چینند. او در عظمت خود بر تمام مخالفت‌های انسانی آنها بر ضد خود می‌خندد. اما ناگهان ریشخند خدا مبدل می‌شود به مجموعه‌ای از اعمال خوفناک که در آیات ۸-۱۲ توصیف شده‌اند. خدای کتاب مقدس پادشاه آسمان است و تا به ابد مخالفتی را که با او صورت می‌گیرد، تحمل نخواهد کرد.

در دوران عهدعتیق، قوم اسرائیل نمونه‌ای است از انسان‌های ملموس بر زمین، و پادشاهان اسرائیل نمونه‌هایی هستند از آن مسیح پادشاه. پادشاه، "مسیح" خوانده شده است زیرا خود خدا او را انتخاب کرده و به مقام پادشاهی رسانده است. مزمو ۲ تنها به وضعیت قوم خدا در طی دوره عهدعتیق نمی‌پردازد، بلکه نگاهش رو به آینده است و به وضعیت قوم خدا در طول دوره عهدجدید نیز توجه دارد، یعنی زمانی که عیسی مسیح ظهور کرده است.

سوم. "در آیات ۷-۹، آن مسیح پادشاه، خود سخن می‌گوید". در آیه ۷، مسیح پادشاه نقشه ابدی خدای کتاب مقدس را آشکار می‌کند که طبق آن، خدا او را بر تمامی پادشاهان و رهبران زمینی پادشاه می‌سازد. خود خدا به او فرمود: "از امروز تو پسر من هستی و من پدر تو". زمانی که عیسی مسیح "پسر خدا" خوانده می‌شود، بدان معنا نیست که عیسی مسیح "آفریده شده باشد" و بدان معنا نیست که عیسی مسیح پسر "جسمانی" خدا باشد. اصطلاح "پسر خدا"، اصطلاحی است رایج برای فرزندانگی که در تمام آسیای باختری کاربرد داشته است. پادشاهان ملتها ادعا می‌کردند که بتها یا خدایانشان، آنها را به فرزندانگی پذیرفته‌اند و اینکه آنها بطور مستقیم و "جسمانی" از نسل خدایان خویش می‌باشند. اما عیسی مسیح بدستور ازلی خدا "پسر روحانی" او است. خدا از ازل تصمیم گرفته بود تا در عیسی مسیح به‌عقاب طبیعت انسانی در آید و او را بعنوان پادشاه خداسالار، نه تنها بر قوم خدا بر زمین، بلکه بر تمام انسان‌های روی زمین منصوب کند. عیسی مسیح مقرر شد تا ابد حاکم بر تمام عالم باشد.

آیات ۸ و ۹ تعلیم می‌دهند که عیسی مسیح قادر است هر گونه که بخواهد با ملتها و پادشاهان ایشان رفتار کند. خدای پدر در آسمان حکومت می‌کند و خدای پسر نماینده خدای پدر بر زمین است و بر زمین حکومت می‌کند. عیسی مسیح بر تمام زمین حکم می‌راند و این شامل تمام اقوام یاغی و رهبران سیاسی و مذهبی یاغی ایشان نیز می‌شود. در روز داوری نهایی، عیسی مسیح با عصای آهنین بر آنان "حکم خواهد راند"، یعنی آنها را مانند ظروف گلی خرد خواهد کرد.

چهارم. "در آیات ۱۰-۱۲، نویسنده مزمو ۱، پادشاهان روی زمین را فرا می‌خواند تا داوطلبانه تحت تسلط مسیح پادشاه در بیایند". هدف مسیح پادشاه، یعنی عیسی مسیح آن نیست تا هلاک سازد، بلکه تا نجات ببخشد. یوحنا ۳: ۱۷ می‌فرماید: "خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند، بلکه بوسیله او نجاتشان دهد". نویسنده مزمو ۱ تمام رهبران سیاسی، نظامی و مذهبی جهان را فرا می‌خواند تا داوطلبانه خود را به عیسی مسیح و سلطنت او تسلیم کنند. او آنها را فرا می‌خواند تا با شادی و ترس، عیسی مسیح را خدمت کنند. آنها زمانی که اراده عیسی مسیح را انجام بدهند می‌توانند خوشحال باشند، اما در صورتیکه با او مخالفت کنند یا قوم او را مورد ظلم قرار بدهند، آنگاه باید بترسند.

این مزمو ۱۰۰۰ سال قبل از آمدن مسیح پادشاه نوشته شد، یعنی قبل از آمدن عیسی مسیح برای آنکه سلطنت خود را بر زمین بدست بگیرد. اما نویسنده مزمو ۱ هشدار می‌دهد که سلطنت خدای کتاب مقدس، در همان زمان در آسمان متحقق بود و قرار بود بزودی بر زمین نیز تحقق یابد. سلطنت خدای کتاب مقدس از طریق عیسی مسیح، در نخستین ظهور عیسی مسیح به جهان "آغاز شد"، و در بازگشت او به کمال خواهد رسید و بطور کامل متحقق خواهد گردید. همه مخالفت‌های ملت‌های جهان و رهبران سیاسی و مذهبی آنان نیز قادر نخواهد بود بنیاد سلطنت عیسی مسیح را متزلزل سازند.

در میان گذاشتن برکات از مزمور ۵

(T) میخوام مطالبی از مزمور ۵ در میان بگذارم. "دعایی برای درخواست کمک در برابر دشمن".
اول. "دشمنان انسانهای درستکار". نویسنده این مزمور شعرگونه داود پادشاه است. او به دلیل وجود مخالفان متعدد، گرفتار سختی‌های بسیار زیادی است. این مخالفان حتماً اسرائیلیان دیگری هستند که با تکبر خود مرتکب شرارت می‌شوند و دروغ می‌گویند و بدین ترتیب برای نابودی دیگران توطئه می‌چینند. آنها حیل‌گر خوانده شده‌اند زیرا برداشت نادرستی از خود بر جای می‌گذارند. نباید به آنها اعتماد کرد و کلماتی که از دهان آنها خارج می‌گردد، همانند قبری گشوده، شنوندگانشان را آلوده می‌سازند.

دوم. "دعای انسانهای درستکار". داود پادشاه بجای شکایت از سرنوشت خود یا نشان دادن واکنش خصمانه نسبت به دشمنان خویش، نزد خدا دعا می‌کند. او "بر ضد دشمنان خویش اقدامی نمی‌کند"، بلکه "نزد خدا اقدام می‌کند". هر بامداد او در مورد مشکلات خود با خداوند سخن می‌گوید و تقاضاهای خود را نزد خدا بیان می‌کند. پس از اتمام دعا، او موضوع دعای خویش را فراموش نمی‌کند، بلکه در انتظار است تا ببیند خدا در همان روز یا در آینده چه خواهد کرد. او می‌گوید: "من انتظار می‌کشم تا جواب مرا بدهی". او ایمان دارد که خدای کتاب‌مقدس دعایش را شنیده است و او انتظار دارد عمل خدا را مشاهده کند.

اما داود پادشاه در عین انتظار، حالتی منفعل ندارد. او هم دعا می‌کند و هم دست به عمل می‌زند. او دعا می‌کند که خدا او را در برابر شرارت دشمنان، با احاطه کردن او با حضور خود همانند سپر، از او محافظت کند. و او دعا می‌کند زمانی که با دشمنان رو در رو می‌شود، خدا فعالانه او را هدایت کند تا آنچه را که درست است انجام دهد و مرتکب عمل نادرست نشود. او در برابر این وسوسه مقاومت می‌کند که اوضاع را شخصاً به دست بگیرد و از دشمنانش انتقام بکشد. حتی هنگامی که دشمنانش با او ضدیت می‌ورزند و تلاش می‌کنند تا او را نابود سازند، او در طریقه‌های خدا گام بر می‌دارد. من هم از نمونه داود پیروی می‌کنم و برای دشمنانم دعا می‌کنم و عمل درست را در مقابل دشمنانم انجام می‌دهم.

در میان گذاشتن برکات از مزمور ۸

(S) میخوام مطالبی از مزمور ۸ در میان بگذارم. "سرودی که در آن مجد و جلال خدا با جلال انسان مقایسه می‌شود".
در اینجا شاعر حقیر بودن انسان را در مقابل عظمت خدا نشان می‌دهد، اما در عین حال سخن خود را با نشان دادن مقام والای انسان در خلقت پایان می‌دهد. شاعر سرود حمدی را که تمام خلقت خدا می‌سرایند، ادراک می‌کند.
اول. "خدا در زمین عظیم است". در طول شب، ماه و ستارگان بی‌شماری که خدا در آسمان نهاده است، سرود حمد خود را برای خدا می‌سرایند. و در طول روز، مخلوقاتی همچون انسانها، جانوران، پرندگان و ماهیان، که دارای تنوعی غنی و توصیف‌ناپذیر هستند، سرود حمد خود را برای خدا می‌سرایند. تمام مخلوقات خدا سبب می‌شوند تا سراینده مزمور، سرود حمد برای خدا بسراید: "ای خداوند، چه مجید است نام تو در تمامی زمین". تمامیت کارهای عظیم خدا در تمام پهنه عالم گسترده است و انسان چه در روز و چه در شب قادر به دیدن آنها است. صرف‌نظر از بزرگ یا کوچک بودن مخلوقات خدا، همه آنها گواهی هستند بر وجود و حضور خدای زنده. کودکان بطور خاص مسحور اعجاب و زیبایی خلقت خدا می‌گردند، یعنی چیزهایی از قبیل گلها، پرندگان، جانوران و ماهیان، و آنها خدای زنده را می‌ستایند. سراینده این مزمور نیز عظمت خدا را مشاهده می‌کند: اینک ستاره‌ها غیرقابل‌شمارش هستند، و فاصله آنها از یکدیگر غیرقابل‌تصور است و آنقدر عظیم و بزرگ هستند که بعنوان مثال نیمی از منظومه شمسی ما می‌تواند درون ستاره‌ای بنام غول آبی، جای بگیرد. خدا تمام این عظمت، زیبایی و نظم را با "انگشتان" خود آفرید. گوی خدا با انگشتان خود کائنات را با حالت بازی‌گونه آفریده باشد. خدا چقدر عظیم است.

دوم. "خدا بر زمین به انسان عظمت بخشید". انسان شگفت‌انگیزترین آفریده خدا است. خدا انسان را طوری آفرید که تقریباً "موجودی است الهی". خدا انسان را بصورت خود آفرید. هر چند انسان مخلوقی بیش نیست، اما او همچون خدا قادر به تفکر، تکلم، و احساس کردن عواطف است. و خدا مقرر کرد که انسان بر تمام خلقتش حکومت کند. خدا همه چیز را زیر پای انسان نهاد. در عالم آفریده خدا، چیزی والاتر از انسان وجود ندارد. با این حال، این مزمور سرودی برای ستایش انسان نیست، بلکه سرودی است برای حمد و ستایش خدا. خدا این مسئولیت را به انسان محول کرد تا زمین را از انسانهایی که بصورت خدا هستند پر سازد، و اینکه زمین را تابع خود سازد و بر آن حکومت کند و خدا را بر زمین جلال بدهد. خدا تاج "جلال" بر سر انسان گذاشت؛ یعنی توانایی منعکس ساختن خصوصیت‌های پر جلال خدا از قبیل محبت، قدوسیت و درستکاری را بر زمین، به او بخشید. بطور یقین، انسان بسیار والا است، اما او عظمت خود را مدیون خدایی است که بسیار عظیمتر از او است. هنگامی که خدا به انسان جلال بخشید چیزی از وجودش کم نشد. با وجود این، اینطور نیست که همه انسانهای روی زمین منعکس‌کننده عظمت و جلال خدا باشند. آیه ۲ می‌فرماید خدا در میان مردم روی زمین دشمنانی دارد، یعنی کسانی که آن هدفی را که خدا برای انسان داشت، تبدیل به صورتی کاریکاتورگونه از آن کرده‌اند.

سوم. "این مزمور در وجود عیسی مسیح تحقق می‌یابد". در عبرانیان ۲: ۶-۸، نویسنده مزمور ۸ را به انسان مرتبط نمی‌سازد بلکه به عیسی مسیح. در تحلیل آخر، عیسی مسیح، پسر انسان است که آشکارکننده آن جلالی است که خدا بطور تمام و کمال برای انسان در نظر داشت.

در میان گذاشتن برکات از مزمو ۱۰

(T) می‌خواهم مطالبی از مزمو ۱۰ در میان بگذارم. "دعایی بر ضد تکبر بدکاران".
اول. "تکبر انسانهای بدکار". انسانهای بدکار آنانی هستند که تحمل دیدن آن را ندارند که انسانهای دیگر در برابر خدای زنده کتابمقدس سر فرود بیاورند. آنها انسانهای طمعکار و پلیدی همچون خویش را ستایش می‌کنند. آنها آن خدایی که خود را در کتابمقدس و در وجود عیسی مسیح آشکار ساخته بود، دشنام می‌دهند. آنها در پی پول، قدرت و لذات می‌دوند. دهان آنها پر از لعنت، دروغ و تهدید است. آنها بدنبال بیچارگان هستند و قربانی‌های خود را با توسل به چاقو، اسلحه و مواد منفجره نابود می‌کنند. تکبر آنها آنقدر زیاد است که تصور می‌کنند خدا اعمال شریانه‌ای را که انجام می‌دهند، نمی‌بیند و اینکه سزای اعمال آنها را در روز داوری نهبی نخواهد داد.
دوم. "خدای کتابمقدس، به انسانهای ناتوان کمک می‌کند". خدای کتابمقدس شاهد اعمال بدکاران است و سختی و غم انسانهای بیچاره را می‌بیند. خدای کتابمقدس مخالف انسانهای بدکار است، اما او مددکار یتیمان می‌باشد. نویسنده این سروده معتقد است که خدا تا ابد بر زمین پادشاه است. و در مقام پادشاه باید حکم داوری صادر کند. نویسنده از خدا می‌خواهد تا مانع اعمال شرارت‌آمیز انسانهای بدکار بشود. بنابراین او اینچنین دعا می‌کند: "دست این بدکاران را بشکن. آنها را به سزای اعمالشان برسان و به ظلم آنها پایان بده". او از خدا می‌خواهد تا قدرت بدکاران را در هم بشکند، قدرتی که با توسل به آن به اعمال پلید دست می‌زنند، و از خدا می‌خواهد تا آنها را به سزای اعمالی که سعی در پنهان کردنشان دارند، برساند (۱۵).

در میان گذاشتن برکات از مزمو ۱۴

(S) می‌خواهم مطالبی از مزمو ۱۴ در میان بگذارم. "شکایتی علیه خدانشناسی و شرارت‌هایی که به همراه آن می‌آید".
اول. "عالم کاذب انسانهای احمق". افراد خدانشناس آنقدر نادان هستند که تصور می‌کنند با نفی وجود خدا می‌توانند خدا و حکومت او را در مقام پادشاه عالم از میان بردارند. تنها یک احمق می‌تواند وانمود کند که خدایی نیست.
دوم. "عالم واقعی خدا". حتی اگر انسانها وجود خدا را نفی کنند، اما این کار سبب نمی‌گردد تا خدا از عالم واقعیات محو شود. حتی زمانی که انسانها باور داشته باشند که خدایی وجود ندارد، او همچنان از آسمان بر آنها می‌نگرد و تکتک آنها را می‌بیند. او می‌بیند انسانها چگونه به اعمال فاسد و پلید دست می‌زنند. خدانشناسی، بی‌استثنا منجر به گناه زنا و هرگونه عمل شریانه دیگر می‌شود. زمانی که انسانها وجود خدا را انکار می‌کنند، حتی نیک‌ترین اعمال آنها نیز نمی‌تواند با معیار خدا از نیکی مطابقت داشته باشد. آنچه را که انسانهای جهان "نیک" می‌خوانند، بسیار کمتر از آن چیزی است که در نظر خدا کامل باشد. پولس رسول این مزمو را در رومیان ۳: ۱۰-۱۲ بکار می‌برد تا ثابت کند تمام انسانهای عالم فاسد هستند و برای رستگاری به عدالت خدا نیاز دارند.

در میان گذاشتن برکات از مزمو ۱۵

(T) می‌خواهم مطالبی از مزمو ۱۵ در میان بگذارم. "مطالبات خدا برای مشارکت داشتن با او". در اسرائیل، بسیاری از یهودیان معتقد بودند که اگر با نگاه داشتن تشریفات مذهبی در خصوص پاک نگاه داشتن خود، "بطور مذهبی پاک باشند"، آنگاه می‌توانند با خدا مشارکت داشته باشند. اما داود پادشاه تعلیم می‌دهد که "پاک شدن از طریق انجام تشریفات ظاهری مذهبی" کافی نیست. خداوند به چیزی کمتر از "پاک بودن باطنی روحانی و اخلاقی" قانع نیست، یعنی نوعی از پاکی که نمود بیرونی آن در جامعه نشان داده شود. آنچه که انسان لمس می‌کند یا می‌خورد، او را ناپاک نمی‌سازد؛ آنچه که باعث ناپاکی انسان می‌شود آن چیزهایی است که از دل و دهان او صادر می‌شود. انسانی که در باطن خود پاک باشد، دهان خود را برای گفتن راستی باز خواهد کرد، و به دیگران تهمت نخواهد زد و به قولهایی که می‌دهد پایبند خواهد بود. او از دیگران نخواهد خواست تا سود گزاف بابت وامی که گرفته‌اند به او بدهند و در مبادلات کاری یا حقوقی به دیگران رشوه نخواهد داد یا رشوه نخواهد گرفت. انسان تنها زمانی می‌تواند اینچنین عمل کند که باطناً پاک باشد. انسان باید تولد تازه داشته باشد. تنها در این صورت براستی خواهد توانست از مشارکت خدای زنده برخوردار شود.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از کتاب مزامیر را بخوانید. مزامیر انتخاب شده، عبارتند از مزموهای ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۷. تعمقات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در مشارکتی خانگی یا گروه شاگردی کشفیات، آموخته‌ها و برکات خود را در میان بگذارید.
دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....
سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.